

تحلیل هفته

شماره: 494

(16 - 22 میزان 1404 هـ ش)

ارزیابی توافق نامه ای استراتژیک مشترک پاکستان و عربستان سعودی



این نشریه هفته وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- ارزیابی توافق نامه ای استراتژیک مشترک پاکستان و عربستان سعودی 3
- مروری بر روابط عربستان سعودی و پاکستان 3
- اهمیت این توافق برای پاکستان 6
- اهمیت این توافق برای عربستان سعودی 7
- پیامدهای توافق استراتژیک مشترک برای هند 7
- پیامدهای توافق استراتژیک مشترک میان عربستان سعودی و پاکستان برای افغانستان 8
- نتیجه گیری 10
- منابع 10

ارزیابی توافق‌نامه‌ای استراتژیک مشترک پاکستان و عربستان سعودی

مقدمه

در تاریخ ۱۷ سپتامبر سال ۲۰۲۵ میلادی، توافق‌نامه‌ای دفاعی استراتژیک مشترک (Joint Strategic Defense Agreement) میان پاکستان و عربستان سعودی، توسط نخست‌وزیر پاکستان شهباز شریف و ولیعهد عربستان سعودی محمد بن سلمان در شهر ریاض امضا گردید. بر اساس مفاد این توافق‌نامه، هرگونه حمله بر یکی از دو کشور، به منزله حمله بر هر دو کشور تلقی می‌شود.^۱ ایجاد اتحادهای امنیتی در روابط میان کشورها، بازتابی از نیازهای سیاسی، نظامی و اقتصادی آنها است. امضای این توافق میان پاکستان و عربستان سعودی، فصلی نوین را در روابط دو کشور گشود. این توافق نتیجه‌ای دهه‌ها همکاری و شراکت میان دو دولت است که در پرتو آن، هر یک از طرفین می‌کوشد نیازهای دوجانبه‌ای خویش را از طریق طرف مقابل برآورده سازد.

بخش اساسی این توافق‌نامه بر اصل دفاع مشترک استوار است؛ به گونه‌ای که بر مبنای آن، هرگونه تجاوز بر یکی از طرفین، تجاوز بر هر دو کشور تلقی می‌گردد. این اصل شباهت زیادی با مفاد منشور سازمان نظامی ناتو دارد و یک سازوکار جدید برای دفاع جمعی و بازدارندگی ایجاد می‌کند.

با توجه به این که در وضعیت کنونی، فضای سیاسی خاورمیانه زیر سایه‌ای تجاوزات رژیم صهیونیستی اسرائیل، رقابت‌های منطقه‌ای و نفوذ قدرت‌های جهانی قرار دارد، توافق‌نامه‌ای اخیر پاکستان و عربستان سعودی می‌تواند دایره تازه‌ای از توازن امنیتی را در منطقه ایجاد کند.

مروری بر روابط عربستان سعودی و پاکستان

روابط دوجانبه بین پاکستان و عربستان سعودی از زمانی آغاز شد که کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی تاسیس گردید.^۲ در آغاز، اکثر پیوندهای میان عربستان سعودی و پاکستان ناشی از اشتراکات مذهبی - فرهنگی و پیوندهای تجاری بود. این همکاری دیپلماتیک میان پاکستان و عربستان سعودی از جمله نزدیک‌ترین و پایدارترین اتحادیه‌ها در جهان اسلام به‌شمار می‌آید. با گذشت زمان، این روابط علاوه بر ارزش‌های مشترک اسلامی، بر پایه‌ای اعتماد متقابل و همکاری‌های استراتژیک تقویت شد و در مواجهه با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دستخوش تغییرات و تطورات شده است. در دهه‌های اخیر، دو کشور نه تنها از حمایت دیپلماتیک یکدیگر برخوردار بوده‌اند، بلکه در زمان‌های بحران‌های منطقه‌ای، مشکلات اقتصادی و مذاکرات بین‌المللی نیز در کنار هم ایستاده‌اند. همکاری‌ها و تعاملات دیپلماتیک مهم میان پاکستان و عربستان سعودی را می‌توان به صورت کرونولوژیک به شرح زیر روشن ساخت:

الف) ۱۹۵۱ - معاهده دوستی: با امضای «معاهده دوستی»، پاکستان و عربستان سعودی روابط رسمی خویش را تثبیت کردند و پایه‌های همکاری‌های دیپلماتیک و اقتصادی را نهادند.

ب) ۱۹۷۴ - نشست سران سازمان همکاری اسلامی (OIC) در لاهور: پاکستان به رهبری نخست‌وزیر ذوالفقار علی بوتو میزبان دومین نشست سران کشورهای اسلامی بود. در این اجلاس، فیصل بن عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی و شمار زیادی از رهبران کشورهای اسلامی حضور داشتند؛ این نشست پیوندهای اسلام‌آباد و ریاض را بیش از پیش تقویت نمود.

ج) دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ - دوره ضیاءالحق: در دوران حکومت جنرال ضیاءالحق روابط دو طرف در عالی‌ترین سطح خود قرار گرفت. پاکستان نیروی نظامی برای دفاع از عربستان اعزام نمود و عربستان سعودی کمک‌های مالی وسیع، نفت و حمایت اقتصادی در اختیار پاکستان گذاشت. همچنان، جهاد افغانستان فرصت جدیدی برای همکاری مشترک میان دو کشور فراهم آورد.

د) ۱۹۸۸ - گشایش مسجد فیصل: مسجد فیصل در تاریخ ۱۸ جون ۱۹۸۸ میلادی به‌دست جنرال ضیاءالحق در اسلام‌آباد افتتاح شد. از سوی عربستان، شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز آل‌سعود در مراسم حضور یافت؛ این مسجد به یاد پادشاه فیصل بن عبدالعزیز آل‌سعود ساخته شده بود.

ه) ۱۹۹۸ - حمایت در دوران تحریم‌های هسته‌ای: هنگامی که هند در سال ۱۹۹۸ میلادی آزمایش‌های هسته‌ای انجام داد و پاکستان نیز پس از آن پنج آزمایش هسته‌ای به‌عمل آورد که منجر به تحریم‌های بین‌المللی شد، عربستان سعودی در آن دوره دشوار از طریق تأمین نفت و کمک مالی در قبال وصول پرداخت‌های معوق به پاکستان یاری رساند؛ این کمک‌ها به پاکستان امکان داد تا در برابر فشارهای اقتصادی مقاومت نموده و ثبات اقتصادی خود را حفظ کند.

و) دهه ۲۰۰۰ - همکاری‌های اقتصادی و دفاعی: دیدارهای پی‌درپی مقامات عالی‌رتبه میان دو کشور، همکاری‌ها در حوزه‌ای انرژی، سرمایه‌گذاری و آموزش نظامی را تقویت نمود و پاکستان اجازه داد تا پرسونل نظامی خود را برای انجام مأموریت‌های دفاعی در خاک عربستان مستقر نماید.

ز) ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ - بسته‌های کمک مالی: در سال ۲۰۱۴ میلادی در دوره حکومت نواز شریف، عربستان سعودی مبلغ ۱٫۵ میلیارد دالر به پاکستان کمک کرد تا سطح ذخایر خارجی افزایش یابد. در سال ۲۰۱۸ میلادی، در دوره حکومت عمران خان، عربستان اعلام کرد که کمک مالی ۴٫۲ میلیارد دالری در اختیار پاکستان قرار می‌دهد؛ از این مبلغ، سه میلیارد دالر به بانک مرکزی پاکستان و ۱٫۲ میلیارد دالر (در اصل ۵۹۵ میلیون دالر) به‌صورت تأمین نفت در قبال پرداخت‌های معوق بود.

(ح) ۲۰۱۹ - سفر ولیعهد محمد بن سلمان: در جریان سفر او به اسلام‌آباد، عربستان سعودی متعهد به سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری شد که شامل پروژه پالایشگاه نفت در گوادر نیز می‌شد؛ این اقدام نشان‌دهنده مرحله جدیدی در همکاری‌های اقتصادی دو کشور بود.

(ط) ۲۰۲۳ - حمایت در دوره بحران اقتصادی: عربستان سعودی بار دیگر نقش مهمی در حصول پاکستان به تسهیلات صندوق بین‌المللی پول (IMF) ایفا کرد و دو میلیارد دلار به بانک مرکزی پاکستان اختصاص داد.

(ی) ۷-۹ آوریل ۲۰۲۴ - اولین سفر خارجی شهباز شریف (نخست‌وزیر): نخستین سفر خارجی دوره دوم شهباز شریف به عربستان سعودی انجام شد. در گفتگو با ولیعهد محمد بن سلمان، دو کشور تصمیم گرفتند سرعت سرمایه‌گذاری سعودی به میزان پنج میلیارد دلار را تسریع کنند و همچنان نهایی‌سازی ۳۴ تفاهم‌نامه به ارزش مجموعی ۲٫۸ میلیارد دلار را مصوب کردند که از آن میان، ۵۶۰ میلیون دلار به پروژه‌های عملیاتی تخصیص یافت.^۳

این دو کشور نه تنها در حوزه دیپلماتیک بلکه در عرصه‌های امنیتی و استراتژیک نیز با یکدیگر همکاری دارند. در حال حاضر، ریاض از منظر مالی برای پاکستان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ از این‌رو، علاوه بر همکاری‌های دیپلماتیک، همکاری‌های دفاعی نیز برقرار است که شامل استقرار نیروهای نظامی، تمرینات نظامی مشترک و برنامه‌های آموزشی در قالب پیمان‌های دفاعی مختلف می‌شود. می‌توان همکاری‌های دو کشور در این حوزه را به شرح زیر روشن ساخت:

(الف) ۱۹۶۷ - توافق‌نامه‌ای همکاری دفاعی: پاکستان و عربستان سعودی نخستین توافق رسمی در زمینه همکاری نظامی را امضا کردند که راه را برای استقرار نیروهای پاکستانی در خاک عربستان هموار ساخت.

(ب) دهه ۱۹۷۰ - استقرار نیروهای پاکستانی: به درخواست عربستان سعودی، هزاران نظامی پاکستانی در ریاض مستقر شدند تا ساختار دفاعی کشور تقویت گردد. خلبانان پاکستانی نیز در عملیات پروازی برای نیروی هوایی سعودی مشارکت داشتند که گامی مهم در نوسازی نیروی هوایی عربستان محسوب می‌شد.

(ج) ۱۹۸۲ - پروتکل دفاعی: پروتکل همکاری‌های دفاعی میان دو کشور به امضا رسید که نقش پاکستان در آموزش پرسونل نظامی سعودی را رسمی ساخت.

(د) ۱۹۹۰-۱۹۹۱ - جنگ خلیج (عملیات طوفان صحرا و مرتبط): پاکستان بیش از ۱۱۰۰۰ نظامی شامل نیروهای هوایی و زمینی را به عربستان سعودی اعزام کرد تا از حریم خاکی این کشور دفاع نمایند.

ه) پس از ۲۰۰۴ - مانورهای «السمسام»: از این تاریخ، پاکستان و عربستان سعودی به مدت دو سال به انجام تمرینات نظامی مشترک پرداختند که نشان دهنده تمرکز مشترک بر تهدیدات امنیتی معاصر بود.

و) ۲۰۱۶ - مانور نظامی «نورتندر»: این رزمایش در حفرالباطن برگزار شد و در آن زمان بزرگترین مانور نظامی منطقه‌ای به شمار می‌رفت که پاکستان نقش پیشرو در کنار نیروهای سعودی ایفا نمود.

ح) ۲۰۲۵ - توافق نامه‌ای استراتژیک دفاعی مشترک: این توافق که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی توسط نخست‌وزیر پاکستان شهباز شریف و ولیعهد عربستان سعودی محمد بن سلمان در ریاض امضا شد، مقرر می‌دارد که حمله به یکی از دو کشور به منزله‌ای حمله به هر دو کشور قلمداد گردد؛ این اصل شباهت‌هایی با ماده‌ای پنجم منشور ناتو دارد.^۴ در این تحلیل، همین توافق میان عربستان سعودی و پاکستان به عنوان موضوع اصلی بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت این توافق برای پاکستان

توافق نامه‌ای استراتژیک دفاعی مشترک میان پاکستان و عربستان سعودی، روابط دو کشور را وارد مرحله‌ای نوین کرده و برای پاکستان گامی استراتژیک و تعیین کننده محسوب می‌شود. بر اساس این توافق، نقش پاکستان در تأمین امنیت و ثبات عربستان سعودی تقویت می‌گردد. این در حالی است که پاکستان در داخل کشور با مشکلات متعدد اقتصادی، امنیتی و سیاسی روبه‌رو است و از منظر خارجی نیز با تهدید جدی هند مواجه می‌باشد. بنابراین، این توافق برای پاکستان همچون سپر سیاسی و اقتصادی عمل کرده و زمینه‌ای برای دسترسی به منابع انرژی و حمایت مالی فراهم می‌سازد؛ امری که برای مهار بحران اقتصادی و تأمین ثبات درازمدت این کشور از اهمیت اساسی برخوردار است.

بر اساس این توافق نامه، توانمندی هسته‌ای و مهارت نظامی پاکستان در سطح منطقه‌ای مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد و در سطح جهانی، به‌ویژه در میان کشورهای اسلامی، نفوذ دیپلماتیک پاکستان تقویت می‌شود.

از سوی دیگر، چین و پاکستان در منطقه دو کشور متحد و نزدیک به شمار می‌آیند. پس از درگیری‌های اخیر میان هند و پاکستان، توجه و حمایت چین از اسلام‌آباد افزایش یافته است. امضای این توافق نامه جایگاه بین‌المللی پاکستان را بیش از پیش ارتقا می‌دهد و در نتیجه، توجه سایر کشورها را در زمینه‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری به خود جلب می‌نماید.

یکی دیگر از مزایای مهم این توافق دفاع متقابل برای پاکستان، تأثیر مثبت آن بر توازن قدرت در منطقه است. با پشتیبانی عربستان سعودی، پاکستان در آسیای جنوبی به عنوان یک بازیگر بازدارنده کلیدی مطرح

می‌شود. از این رو، هرگاه هند در برابر پاکستان دست به اقدام نظامی زند، این توافق‌نامه برای دهلی‌نویک عامل بازدارنده مهم خواهد بود و موجب احتیاط بیشتر آن کشور در محاسبات نظامی‌اش می‌گردد.

اهمیت این توافق برای عربستان سعودی

توافق دفاعی میان عربستان سعودی و پاکستان نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت امنیت و سازوکارهای دفاعی این کشور ایفا می‌کند. این توافق به سعودی‌ها اطمینان می‌دهد که در مواجهه با تهدیدات خارجی تنها نخواهند بود؛ خصوصاً در شرایطی که خاورمیانه، به‌ویژه مسئله فلسطین تحت تأثیر ادامه حملات اسرائیل قرار دارد و تلاش‌هایی برای تشکیل «دولت بزرگ اسرائیل» مشاهده می‌شود. چنین تحولات منطقه‌ای می‌تواند پیامدهای منفی بر امنیت عربستان داشته باشد و این توافق بالقوه ابزارهایی برای پیشگیری از این پیامدها و تضمین پایداری امنیتی کشور فراهم می‌سازد.

در زمینه‌ای تقویت ظرفیت‌های نظامی، عربستان می‌تواند از تجربیات، تخصص و فناوری‌های نظامی پاکستان بهره‌برداری کند. در نتیجه، وابستگی امنیتی ریاض به کشورهای غربی کاهش می‌یابد، و این کشور فرصت می‌یابد که اتحادهای منطقه‌ای امنیتی خود را بنا نهد و گام‌هایی در مسیر خودکفایی امنیتی بردارد.

پیامدهای توافق استراتژیک مشترک برای هند

با امضای توافق استراتژیک مشترک میان پاکستان و عربستان، پرسش مهمی که مطرح می‌شود: این توافق چه تأثیری بر هند خواهد داشت؟ با در نظر گرفتن روابط گسترده عربستان و هند در حوزه‌های گوناگون، آیا مناسبات دوجانبه‌ای آنها ممکن است آسیب ببینند؟

نقاط کلیدی وضعیت به شرح زیر است: عربستان و هند در بخش‌های انرژی و فناوری همکاری‌های متقابلی دارند؛ علاوه بر این، حدود ۲٫۷ میلیون نیروی کار هندی در عربستان مشغول به کاراند و سهم قابل‌توجهی در بخش‌های اقتصادی و توسعه‌ای مدرن آن کشور دارند.^۵ از منظر تجارت، هند یکی از شرکای اصلی تجاری عربستان است؛ نیز در بازه ۲۰۲۳-۲۰۲۴ حجم تجارت دوجانبه به ۴۲٫۹۸ میلیارد دلار رسیده است.^۶ این موارد نشان‌دهنده‌ی عمق و بلوغ روابط میان دو کشور است.

در عین حال، این توافق تا حد زیادی بر مبنای نیازهای مالی و محدودیت‌های پاکستان شکل گرفته و سعودی‌ها تلاشی محافظه‌کارانه در بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی پاکستان دارند. حاکمان سعودی می‌کوشند از یک سو ساختار حکمرانی خود را تقویت نمایند؛ اگرچه منابع مالی برای خرید تسلیحات پیشرفته از کشورهای توسعه‌یافته را در اختیار دارند، اما از ایجاد نیروی نظامی داخلی‌ای که ممکن است

تهدیدی علیه استمرار نظام حکمرانی شان ایجاد کند، پرهیز می کنند. از این رو، به جای ایجاد یک ارتش کاملاً مستقل و نیرومند، تمایل بیشتری به اتکاء بر بازیگران خارجی به ویژه پاکستان مشاهده می شود.

از سوی دیگر، هند به ندرت تعهدات دفاعی مشابهی به دیگر کشورها ارائه می دهد و معمولاً نیروهای خود را برای حفظ دولت های خارجی اعزام نمی کند؛ سیاست خارجی دهلی نو بر محور روابط اقتصادی — از جمله انتقال فناوری — استوار است. بر این اساس، ریاض می تواند برای پوشش خلاءهای امنیتی خویش از پرسونل نظامی پاکستانی بهره مند شود و در عین حال مناسبات گسترده اقتصادی و فناورانه ای خود را با هند ادامه دهد.

پیامدهای توافق استراتژیک مشترک میان عربستان سعودی و پاکستان برای افغانستان

توافق استراتژیک دفاعی میان پاکستان و عربستان سعودی از یک سو برای افغانستان فرصت هایی پدید می آورد و از سوی دیگر چالش هایی به همراه دارد. در صورتی که این پیمان واقعاً با هدف تقویت همکاری میان کشورهای اسلامی، پایداری و توانمندسازی اقتصادی منعقد شده باشد، نزدیکی روابط میان سعودی و پاکستان و همچنان پیوند دیرینه چین با پاکستان (یعنی شکل گیری یک مثلث مبتنی بر محور پاکستان) می تواند مسیرهایی برای بازسازی اقتصادی و ادغام منطقه ای افغانستان بگشاید. همچنان نفوذ مذهبی و سیاسی این کشورها ممکن است به عنوان عاملی مثبت در فرآیند کسب مشروعیت بین المللی برای «امارت اسلامی» تلقی شود.

با این همه، اگر این توافق به منظور تشدید رقابت های منطقه ای مورد استفاده قرار گیرد؛ مثلاً پاکستان در برابر هند و سعودی در برابر ایران یا قطر، در آن صورت تعادل سیاست خارجی افغانستان آسیب خواهد دید و پیامدهای منفی برای دیپلماسی کابل به دنبال خواهد داشت.

نکته مهمی که در این تحلیل شایسته توجه است، اظهار نظر یکی از مشاوران نخست وزیر پاکستان در گفتگو با «جی نیوز» است که گفته: «اگر از خاک افغانستان علیه پاکستان حمله صورت گیرد، آن حمله به حساب عربستان سعودی نیز گذاشته خواهد شد.»⁷ اگر با دقت نگاه کنیم، می توان چنین برداشت کرد که مقامات پاکستانی با دو هدف متقاطع چنین بیان هایی را مطرح می سازند:

اول، القای تصویر توانمندی و توجیه مسئولیت زدایی از خود در برابر افکار عمومی داخلی (یعنی قرار دادن بار ناامنی بر دوش دیگران)؛

دوم، اعمال فشار بر امارت اسلامی از طریق ابزارهای سیاسی یا دیپلماتیک. از سوی دیگر، امارت اسلامی صراحتاً اجازه نمی دهد که خاکش علیه کشور دیگری مورد استفاده قرار گیرد. همچنان مطابق مفاد پیمان،

سعودی عربستان در قبال ناامنی‌های داخلی پاکستان مسئول شناخته نمی‌شود و تاکنون نیز واکنش مشخصی در این مورد نشان نداده است، زیرا بسیاری از این حملات توسط گروه‌های مسلح داخل پاکستان یا دیگر بازیگران انجام می‌شود.

علاوه بر این، وقتی در تاریخ ۱۷ میزان ۱۴۰۴ هجری شمسی (ناظر بر گزارشی که در متن آمده) پاکستان حریم هوایی افغانستان را نقض کرد، امارت اسلامی افغانستان در واکنش و به‌منظور تلافی عملیاتی را در امتداد خط فرضی دیورند در بخش‌های مرزی پاکستان انجام داد و در پی آن میان طرفین درگیری‌های چند ساعته رخ داد. در پی این حوادث، وزارت امور خارجه سعودی بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن وضعیت تنش میان پاکستان و افغانستان را نگران‌کننده توصیف و اعلام کرد که این کشور از نزدیک تحولات را دنبال می‌کند. در آن بیانیه از هر دو طرف خواسته شده بود که از خویشتن‌داری استفاده کنند، از خشونت پرهیزند و از راه گفتگو و تدبیر، مسائل را حل نمایند تا ثبات و امنیت منطقه حفظ شود. همچنان تأکید شد که عربستان از هر اقدام منطقه‌ای یا بین‌المللی که منجر به تقویت صلح و ثبات گردد، حمایت می‌کند و پایداری امنیت را به‌عنوان پیش‌شرط رفاه و توسعه مردم پاکستان و افغانستان ضروری می‌داند.^۸

اگر موضع سعودی در قبال این مناقشه را از منظر چارچوب پیمان استراتژیک مشترک تحلیل کنیم پیمانی که براساس آن حمله به یک کشور، حمله به طرف دیگر نیز محسوب می‌شود، می‌توان به دو نتایج احتمالی رسید:

نخست: تجربه‌ای درگیری اخیر میان آذربایجان و ارمنستان را می‌توان مبنا قرار داد، جایی که روسیه با وجود عضویت ارمنستان در یک سازمان امنیتی جمعی (که مأموریت آن حفاظت از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت اعضاست و ایجاب می‌کند در برابر تهاجم خارجی از اعضا دفاع مشترک صورت گیرد) به دلیل آن که مناقشه در قلمروی رسمی مورد پذیرش ارمنستان رخ نداده بود، از مداخله مستقیم خودداری نمود. رئیس‌جمهور روسیه گفته بود که با وجود عضویت در آن سازوکار امنیت جمعی، از آنجا که جنگ در قلمرو رسمی ارمنستان نبوده است، روسیه خود را ملزم به مداخله نمی‌داند. به‌نحو مشابه، به‌نظر می‌رسد عربستان نیز ممکن است در مورد مناقشات مرزی یا درگیری‌هایی که در امتداد «خطوط فرضی» صورت می‌گیرد، از مداخله مستقیم یا اتخاذ مواضع تند خودداری کند و در عوض خواستار راهکارهای مسالمت‌آمیز شود. در واقع در نمونه یادشده، سعودی از دخالت مستقیم پرهیزنه اجتناب کرد و از هر دو طرف خواست تا از خشونت پرهیزند.

دوم: از یک سو، سعودی‌ها خود را در مقام رهبران دنیای اسلام دیده، تلاش می‌کنند تا از تشدید منازعات میان کشورهای مسلمان جلوگیری نمایند؛ و از سوی دیگر، مقصود اصلی این توافق با پاکستان بهره‌گیری از

ظرفیت‌های امنیتی پاکستان است، نه ورود مستقیم خود سعودی به هر نوع درگیری منطقه‌ای. اگر این دو اصل یعنی تمایل سعودی به میانجی‌گری و اجتناب از گسترش درگیری‌ها، و گرایش عملی توافق به بهره‌گیری از توان پاکستان بدون درگیر شدن مستقیم سعودی پابرجا بمانند، در آینده کارایی عملی این توافق ممکن است کاهش یابد؛ به این معنا که سایر کشورهای منطقه چندان از اعتبار بازدارندگی این پیمان نترسند و پاکستان نیز نتواند آن گونه که انتظار دارد، از این توافق به عنوان بازدارنده‌ای قوی در برابر هند بهره‌برداری کند.

در مجموع، اثرات توافق استراتژیک سعودی پاکستان بر افغانستان ترکیبی از فرصت‌ها و ریسک‌هاست: از یک سو می‌تواند زمینه‌هایی برای بازسازی اقتصادی و ارتقای نفوذ منطقه‌ای امارت فراهم آورد، و از سوی دیگر، در صورت تبدیل شدن این توافق به ابزار رقابت‌های منطقه‌ای، تعادل سیاست خارجی افغانستان را بر هم زند و ثبات منطقه‌ای را به مخاطره اندازد.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه می‌توان گفت که این توافق بر پایه‌ی ضعف‌های اقتصادی پاکستان شکل گرفته و هدف آن تأمین کمک‌های مالی از سوی عربستان سعودی و از طریق این منابع حل و فصل مشکلات داخلی؛ خواه در حوزه امنیت داخلی یا در حوزه امنیت خارجی و نیز مسائل اقتصادی این کشور است. در مقابل، عربستان سعودی عمدتاً از ظرفیت‌ها و امکانات نظامی و امنیتی پاکستان بهره‌برداری می‌کند و می‌کوشد نیازهای امنیتی و دفاعی خود را با هزینه‌ای کمتر از طریق این همکاری برطرف سازد.

در سطح منطقه‌ای، پاکستان در حال حاضر نه تنها دارای روابط پرتنش با هند است، بلکه مناسبات آن با افغانستان نیز روزبه‌روز رو به وخامت نهاده است. توافق میان پاکستان و عربستان سعودی در بسیاری از موارد نقش مثبت در حل اختلافات و تنش‌های پاکستان - هند و پاکستان - افغانستان ایفا نخواهد کرد؛ زیرا عربستان سعودی از نظر اقتصادی، فناوری و تجاری با هند روابط نزدیکی دارد و مایل نیست که آن مناسبات به دلیل رابطه‌اش با پاکستان دچار تنش شود. علاوه بر این، عربستان سعودی با امارت اسلامی افغانستان نیز همکاری‌ها و اشتراکاتی دارد و این توافق موجب تضعیف یا آسیب‌رساندن به روابط ریاض با کابل نخواهد شد.

منابع

1 Mohammed Shoaib Raza, Beyond the Islamic NATO mirage: The logic of Saudi Arabia-Pakistan defence agreement, published date: Sep/19/2025, available at: BeyondtheIslamicNATOmirage_TheLogicofSaudiArabia-Pakistandefenceagreement-TheWeek.

2 Dr Muhammad Khan, Chronology of Pak-Saudi relationship, Pakistan observer, published date: Sep/25/2023, available at: Chronology of Pak-Saudi relationship - Pakistan Observer

3 A New Chapter in Regional Security: An Analysis of the Pakistan-Saudi Arabia Strategic Defense Agreement, Policy Advisory Board Federation of Pakistan Chamber of Commerce & Industry, page: 7, pdf, available at: <https://fpcci.org.pk/wp-content/uploads/2025/09/A-New-Chapter-in-Regional-Security-An-Analysis-of-the-Pakistan-Saudi-Arabia-Strategic-Defense-Agreement.pdf>

4 A New Chapter in Regional Security: An Analysis of the Pakistan-Saudi Arabia Strategic Defense Agreement, Policy Advisory Board Federation of Pakistan Chamber of Commerce & Industry, page: 7, pdf, available at: <https://fpcci.org.pk/wp-content/uploads/2025/09/A-New-Chapter-in-Regional-Security-An-Analysis-of-the-Pakistan-Saudi-Arabia-Strategic-Defense-Agreement.pdf>

5 The Pakistan-Saudi defence pact does not threaten India, Eroupen Times, published date 25, sep, 2025, available at: <https://europeantimes.org/the-pakistan-saudi-defence-pact-does-not-threaten-india/>

6 The Indian express, Saudi Arabia-Pakistan defence pact: What it means for the two countries, published date: Sep/19/2025, available at: Pakistan-Saudi Arabia Defence Pact Explained: What it means for the 2 countries

7 مشاور نخست وزیر پاکستان: حمله از افغانستان به پاکستان، حمله به عربستان سعودی است، خبرگزاری دید، تاریخ نشر: سنبله/۲۹/۱۴۰۴، د لاس رسی لینک: <https://didpress.com/173733>

8 واکنش عربستان به درگیری نظامی افغانستان و پاکستان، مشرق، تاریخ نشر: ۲۰/میزان/۱۴۰۴، دسترسی آنلاین: واکنش عربستان به درگیری نظامی افغانستان و پاکستان - مشرق نیوز

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش های دقیق و بی طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنامندی پالیسی ها در افغانستان ومنطقه فعالیت می کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



: +93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org